﴿ عنوان مراسلات ﴾

ﺁ ميرزا عليمحمد خان كاشاني
صاحب امتياز ونكارنده
روزنامهٔ (ثريا) در مصر
محل اداره بشارع عابدين

Mr. Ali Mohame
Khan Kachani
Rédacteur, Proprietaire
du journal « Sureya »
Rue Abdin
Le Caire (Egypte)

قيمت اعلان سطري دو فرنك
است ٠ در صورت تكرار بايد
باداره كفتكو شود



ثريا
۱۸۹۸ ۱۳۱۶

﴿ وجه پوست همه جا بعهده اداره است ﴾

﴿ قيمت آبونه ساليانه ﴾

در ممالك محروسهٔ ايران
سي شش قران ۳۶
در اسلامبول وساير بلاد عثماني
چهار مجيد سفيد ٤
در قفقاز وساير شهرهاي روسيه
ده منات ۱۰
در ممالك فرنكستان وامريكا
بيست وپنج فرنك ۲۵
در هندوستان وچين
دو زده روپيه ۱۲
در مصر واطراف مصر
سه ريال مصري ۳

روزشنبه بيست وهشتم شهر ربيع الاول سنة ۱۳۱۷ هجري مطابق ٥ شهر او سنه ۱۸۹۹ مسيحي

اين روزنامه هفته يكبار در روز شنبه طبع ودر يكشنبه تقسيم ميشود وازهر كونه وقايع پولوتيك وسياسي وعلوم وفنون وصنايع وادبيات وتجارت وغيره سخن ميكويد مقالاتيكه نافع بحال دولت وملت باشد بكمال ممنونيت قبول وطبع ونشر ميشود مراسلاتيكه باداره ميرسد در صورت انتشار وعدم ان صاحبش حق استرداد ندارد دپاكت هاي بدون تمبر قبول نميشود

﴿ فهرست مندرجات ﴾

سياسي — تلكرافات — دار الخلافه طهران — تبريز — اسلامبول — انزلي — استراباد — قاهره مصر — ترانسوال وانكليس — ايطاليا وروس در چين — قوه بحريه المان — پرنس لويس بوناپارت — مجلس نزع سلاح — مكتوب از طهران — ثريا — اتحاد اسلاميه والمؤيد والمقطم — مقاله مخصوصه وذكر فان الذكر تنفع المومنين

﴿ سياسي ﴾

در اين هفته در دواير سياسي وستون روزنامجات وسطور تلكرافات مطلب مهمي كه مطرح مذاكره است همانا وجود ضباط ومأمورين ژاپون در پكن پاي تخت كشور چين است واين مسئله خيلي جالب دقت انظار سياسيون اروپ شده همواره بر نتيجه ان چشم دوخته وكوش نهاده اند تلكراف روتر ميكويد ژاپون ميخواهد با چين عقد موالفت بندد ونظم ونسق عساكر بري وبحري دولت مشار اليها را بر عهده كرفته نكذارد رشته نظام حكومت چين از هم كسته كردد واز ظاهر تلكرافات واخبار روزنامجات نيز معلوم ميشود كه دولت چين هم بدين اتحاد سخت مايل است وميخواهد بجاي صاحب منصبين روسي وانكليسي والماني ژاپوني مستخدم نمايد وتاحدي از كيد ومكر اجانب آكاه كرديده است واز روي

انصاف از زمان اغتشاش آخری چین که ملکه داوارژ مادرخاقان بر تخت سلطنت بجای پسر نشست تا بحال خیلی آثار ترقی در اندوات مشاهده میشود وسدی بزرك براي پیشرفت خیالات دول اجانب کردیده است

اکنون چیزي که موقع بحث است اقدام دولت ژاپون است که علت چه بود که در عرض این مدت ساکت وصامت بنشست وهیچ در امور داخله چین مداخلت نفرمود وبدون هیچ تردیدي وایهایوای را تخلیه کرده بانکلیسان سپرد واز چین بدوری وکناره جوئی قانع کشت در صورتیکه مظنون سیاسیون این نبود ومیکفتند ژاپون در مسئله چین از اول دخالت خواهد کرد وچون صحبت (وای های وای) بمیان آمد روزنامجات اروپ ستونها پر کردند وبتصورات سیاسی میان انکلیس وژاپون میدان حرب آراستند وتخلیه ایالت مزبور بدون هیچ عایقی واقع شد واینك که میخواهد یکباره اصلاح امورات چین را بر عهده کیرد مبنی برچه پولوتیك است ؟

عقیده ما بر این است که کشتی های جنکی جدید ژاپون که بکار خانجات اروپ سفارش داده آن ایام تمام نشده بود ودولتی مال اندیش مانند ژاپون هرکز بایکی از دول اروپ طرف نشود مکر بزور وبازوی خویش مطمئن باشد ولی امروز تمام کشتی ها حاضر وآماده کردیده در پای چین وژاپون را از شرق تا غرب فروکرفته واستحکامات سواحل تمام شده چنانکه ما مکرر نوشتیم که شب وروز ژاپون آنی از خویشتن آرائی فراغت نمیکند وروزی آید که نتیجه آن ظاهر شود اینك آفتاب خیالات ژاپون در شرق اندك اندك در درخشیدن است وباید دانست در مقابل این آفتاب چه حجاب غلیظی حاجب کردد ومانع تجلی آن شود بدیهی است اکر چین بخواهد یکباره وزیر ومشیر خویش را ژاپون قرار دهد دول اروپ ممانعت خواهند کرد واز میانه شك نیست دولت روس بواسطه کره ومانچوری بیش از دیکر ان ساعي خواهد بود تا دست ژاپون را از چین کوتاه نماید واین رقیب بزرك را کوشمال دهد

ما مکرر نوشته ایم که جنك اقصای شرق از حتمیات است وناچار روزی واقع شود ولی آثاری از آن بظاهر پدیدار نبود واکنون آثار ان ظاهر شده واین خیال ژاپون دول اروپ را بصدا در آرد ورفته رفته نتیجه ان وخیم کردد اکر فرض جنك بکنیم ودولت روس وژاپون را مهیای نبرد وآویز بیانکاریم شك نیست چون جنك در دریاست فتح نصیب ژاپون کردد وتا کشتی های جنکی روس تیار شده از دریای مدیترانه بقصد سواحل ژاپون حرکت نماید کشتی هائیکه در دریای چین حاضر دارد مانند کشتی های اسپانیا بدریا فرو رود واستحکامات پرت آرتور باخاك پست شود واین فقره برخود روس نیز پوشید نیست واز طرف ژاپون سخت خایف است فعلا منتظریم شدنیها بشود وامد نیها بیاید

در این میان باز ایطالیا سر برداشته از جزایر سانمون صحبت میکند ومکرر چند کشتی بدریاي چین فرستاده است وبسفیر جدید خویش تعلیمات داده تاسختی نماید واز خیالات دول مزبوره دیوان خارجه چین را اطلاع دهد غریب است حرص

ونخوت جهانکیری تاچه درجه در دماغ دول اروپ جاي کرفته که حتی ایطالیا نیز میخواهد بدولت آسمانی زیادتی نماید باید بایطالیا کفت توکار زمین را نکوساختی . که بر آسمان تیز بشتافتی مستعمرات خویش را در افریقا آباد کن وانچه بدولت حبش واکذاشته باز ستان انوقت در فکر چین باش

تلکرافات

(بمبئی ۳۱ ژولیه) طاعون در پوناشدت کرد وجمعی از اروپاو یین بدان مبتلا شده اند

(لاهي بتاریخ ایضا) احتمال میرود که دولت بریطانیه وسایر دول مسئله تحکیم را پس از انکه در اصل وفرع آن بحث شود رد نمایند واز اعتبار ساقط دارند

(روم بتاریخ ایضا) دو کراوزر ایطالیا موسوم به (ویزبویو) و (کارلوالبرتو) عنقریب بطرف چین حرکت خواهند کرد

روزنامه (تریبیونا) میکوید حکومت ایطالیا عزم کرده که در مطالباب خویش نسبت بخلیج سانمون اصرار کند وعنقریب باز بموقع مذاکره خواهد نهاد

(لندن بتاریخ ایضاً) رؤسای حزب معارضین قرار کذاشتند دراین دفعه تا مدت انعقاد جلسات مجلس عموم بانتهی نرسد از ترانسوال صحبتی بمیان نیارند

(پاریس اول اغسطوس) مسیو دلکاسه! برای زیارت کونت موراویوف وزیر خارجه روس از پاریس حرکت کرد ودر این زیارت بعضی مطالب مهمه سیاسی ملحوظ است که من جمله نزدیك شدن اتحاد فرانسه والمان است که روزنامجات روسی بطریق شك وارتیاب ازان بحث نمایند

(برن بتاریخ ۲ ایضاً) در اینوس نوزده نفر شاهدهای خویش را اعلان کرد که من جمله مسیو (لوبران) وجنرال (سبورت) ومسیو کستنر که از اعضاي مجلس سنانو است

دار الخلافه طهران

خبر نکار مخصوص ما : — نمیدانیم از کدام درد بنالیم وبکدام جراحت مرهم نهیم درسنه ۱۲۸۸ هجری که قحطی ومجاعه عمومی در ایران بود بسی از کرسنکی مردند واز فقدان نان ترك جان کفتند ودر بعضی از بلاد برای صد جوع خویش! پدرها اولاد قربان کردند ومادرها جکرکوشه کان خویش ذبح نمودند با اینهمه نظام کار مردم بیچاره این نوع ازهم نکسیخت!

در این هفته از همدان نوشته اند قرص نان چون آفتاب زمستان شده که خلق بیچاره از حسرت رخسارش خون بارند وخوراك مردم اکنون علف صحرا وبرك کاهو وترب شده است در انسال مردم نه پول؟ داشتند نه نان امسال پول در دست عقب نان میکردند (کویا خبر نکار سهو کرده قضیه بر عکس نوشته است زیرادر ایام قحطی ایران باین درجه فقیر نبود نه جیت شب اندر* روزی داشت ونه حریر کلدار بودونه بانك) در سال ۱۲۹۷ که شیخ عبید الله بایران بتاخت در همدان تنك سالی شدوکندم بخرواری شش تومان رسید چندان خلق متوحش شده بودند که کوبا قیامت برای ایشان رخ نموده

وهمه بمصلی رفته دست تضرع بدرگاه قاضی الحاجات بر آورده تا بار ان رحمت فرستد ا کنون گندم در همدان بخر واری سی وپنجتومان رسیده کاش باین قیمت هم وجود داشت در همدان جوخر واری بیست وپنجتومان ودر طهران هشت تومان (به بین تفاوت ره ازکجاست تابکجا) ده نفرتاجر غیر تمند پیدا نمیشود تا از خراسان که گندم اعلی خرواری شش تومان است خریده حمل بهمدان نمایند پر رادوری رفتیم عراق نزدیك تراست حاجي آقا محسن عراقی اقلا پنج شش هزار خروار گندم در انبار دارد — آه آه ! خانق از گرسنگی بمیرند وگندم در انبار اغنیاء بپوسد نمیدانم اصلاح این امور با امنای دولت است یاروسای ملت بنظرم می آید اگر بنگار نده مکتوب ثریا بگویند خواهد گفت آنهم تکلیف ثریا است

البته خبر نگاران ثریا تا کنون از شرکت اسلامیه اصفهان باداره نوشته اند وبا انطبع سرشار چیزی در خصوص شرکت در ثریا نگاشته اید لازم شد من نیز مختصری از این شرکت مقدس بنگارم در شهر ذیقعده گذشته بتشویق شاهزاده ازاده ظل السلطان وهمراهی رکن الملك وتوجهات تامه وحسن نیت جناب شریعتمدار حجة الاسلام مولانا وسیدنا آقای آقانجفی وبرادر کهتر ایشان حاجی شیخ نور الله وهمت بعضی تجار غیر تمند این شرکت تاسیس شده قرار یافت که در هر شهری وکیلی گمارند من جمله وکالت این شرکت را در طهران باقا میرزا احمد امین الصنایع وکیل مرکزی (ثریا) که در امثال این گونه امور مربوطیت تامه دارد واگذار نموده اند ودر روزنامه خلاصة الحوادث

وروزنامه اطلاع وغیره اعلان شدکه هرکس میل باین شرکت داشته باشد باداره امین الصنایع رجوع نماید

امروز میتوان امید واری حاصل نمود که اهل ایران از خواب غفلت بیدار شده در خیال ترقی خریش افتاده اند چنانکه جمعی پس از این اعلان بمحل امین الصنایع رجوع کرده حاضر شده اند که از صد تومان تاهزار تومان اسهام شرکت را خریداری نمایند همچنین از یزد وکرمان نیز جمعی بامین الصنایع مکاتبه کرده خواهش نموده اند که شعبه این شرکت را در انجاها نیز باز شود واسهام آن بفروش رسد اکنون شرکت بخیال افتاده که اداره معتبری در طهران تأسیس نمایدودر اینخصوص مذاکره شده قرار داده اند حاجی میرزا حبیب الله تاجر کاشانی وحاجي حسین آقا پسر مرحوم امین الضرب وکیل شرکت وامین الصنایع مدیر باشد چون این شرکت جزاز مطاع داخله تجارت نکند بدیهی است ترقیات عمده خواهد کرد

تبریز

خبر نگار مخصوص ما : — دیروز که روزشنبه غره شهر ربیع الاول بود بمبارکي ومیمنت جناب نظام السلطنه حکمران خطه اذر بایجان بمقر حکومت خویش عز نزول فرمودند

هم جناب معظم الیه حامل یك قطعه نشان همایون (قدس) که ازطرف قرین الشرف اعلیحضرت اقدس شاهنشاهي محض بروز عواطف خسروانه در حق حضرت والا ولیعهد اعطا ومرحمت شده بود بودند

ودرهمانروز حضرت والا ولیعهد در باغ صاحب دیوان این نشان ذیشان مبارك را كه دلالت برفور وكثرت عنایات همایوني درحق ایشان مینمود زیب سینه افتخار فرمودند ونیمهان بود كه در روز مزبور یعني روزورود جناب نظام السلطنه خلق از وضیع وشریف وخورد و بزرك تجار تخانهـا ودكاكین خویش را بسته باكال سرور وابتهاج براي استقبال قدوم میمون این وزیر وحكمران جدید به بیرون شهر شتافتند وجشني بزرك در هرسو برپاي داشته منتظر ورود ایشان بودند از انطرف حضرت اقدس والا ولیعهد نیز با جمعي از خاصان وملازمان قبل الظهر بباغ صاحب دیوان تشریف فرماشدند جناب نظام السلطنه هم از طرفي دیكر وارد باغ شده بشرف زیارت اقدس ولیعهد نایل كردیدند پس از تعلیق نشان وصرف شربت وشیریني چند تیر توپ نیز شلیك شد واز انجا باتفاق باشكوه واجلال تام نهضت فرموده بشهر تبریز در عمارت مخصوصه حضرت اقدس تشریف فرما شدند وصرف ناهار نموده انكاه در منزلي مهنا كه قبل از وقت براي قدوم ایشان آماده شده بود فرود آمدند

امروز نیز در عمارت دولتي سلام باشكوهي برپای بود وقاطبه اعیان ورجال از لشكري كشوري وغیره همه حضور داشتند وموزیكانچیهاي مخصوص بانواع مارشها واوازها مترنم وعموم اهالي بدعاي دوام دولت قویشوكت علیه ایران رطب اللسان ومتكلم بودند ودر پایان مجلس چند تیر توب هم شلیك شد

شاهزاده ظفر السلطنه بكلربیكي شهر تبریز قبل از ورود جناب نظام السلطنه ازجانب صدارت عظمي بطهران احضار شده بچاپاري حركت كرد

میرزا علي اصغر خان بشیر السلطنه رئیس سابق تلكرافخانه آذربایجان باز بریاست منصوب وچند روز است واردتبریز شده است وهم چنین ریاست پستخانه آذربایجان كه در قدیم بامیرزا غلامحسینخان بود این ایام نیز بوي مرجوع داشته اند واز طهران به تبریز آمده مشغول امورات مرجوعه خویش هست

هواي شهر تبریز در این روزها بسیار كرم شده یعني بقدري كه فوق تحمل ساكنین آن است ولي بحمد لله محصولات بهمه جهت فراوان وميوهاي كوناكون ازهر قبيل بدست آید اما نرخ غلات بقرار سابق است وعمل خبازي كما في السابق بل اشد منه شده است دو روزكه جناب نظام السلطنه تشریف میاوردند از روي تلبیس خبازان نان زیادي در انظار مردم جلوه داده بودند امید واریم از تدابیر صائبه آقاي نظام السلطنه همه امور بر وفق مرام آید ودوشیزه فكرشان نتائج نیكو زاید واز وجود مقدسشان كارهاي نیكو نرازان برآید وشكسته هاي دیكران را ایشان جبران فرمایند

اسلامبول

خبر نكار مخصوص ما — ! نظارت بحریه مقرر داشت تا كشتي ازمیر كه با بعضي كشتیهاي زره پوش عثماني براي تعمیر بجنوه رفته بشكل كراوزر تعمیر شود

اراده سنیه صادر شد كه مكتب مخصوصي براي تربیت وتعلیم اطفال ایتام وارامل بناشود تا دران مبادي علوم وصنایع تحصیل نمایند ومخصوص از

طرف نظارت معارف جمعیتی منتخب شده اند تادر این باب کفتکو کرده محلی را براي ساختن این ابنیه خیریه ابتیاع نمایند قرار شد در طرف (یوکسك قالدیرم)جائي خریده دو مکتب یکي خاص اطفال ذکور ودیکری مخصوص اطفال اناث انشا نمایند وآلان مشغول ساختن ان هستند بواسطه اراده سلطانی که مؤکدا شرف صدور یافته که باید حکام ومأمورین دروظایف مقرره خویش کوتاهی ننمایند ورشوه وامثالها قبول نکنند چند پست بسیاری در تحت محاکمه هستند من جملة نائب قضاء (لادیق) ومعاون وی ویکی دونفر دیکر از حکام اندکه واکنون تمام محبوس ومامورین مشغول تحقیق وکشف حقیقت آن هستند وهمچنین محاکمه یکی از مأمورین خزینة اوراق در باب عالی که نشانهائي راکه راکه بحفظ آن مأمور بوده سرقت کرده است نیز در میان است واز طرف محکمه حکم بدوسال حبس وی کردید

شك نیست که تمام دردها مأمورین وحکام است وچنانکه الیوم بدواي آن پرداخته اند یعني قرار کذاشته اند مأمورین وحکام را بموجب خطاهاي ایشان کیفر نمایند عنقریب هرچه نواقص در کار باشد اصلاح شود وامورات دولتی منتظم کردد

روزنامه ثروت ترکي در واپورات شرکت مخصوصه بحث کرده میکوید شرکت جداً خیال دارد کشتی هاي خویش را اصلاح نماید وانجمنی از طرف وزارت بحریه تشکیل یافته که در اصلاح معایب آن کفتکو نماید واین انجمن را راي بر این ست که باید شرکت مزبوره از تحت مراقبت واداره نظارت بحریه خارج شود وآنرا اداره مستقله قرار دهند ولی (ثروت) شدیدا معارضه مینماید واعتقادش بر این است که انفکاك شرکت مخصوصه از نظارت بحریه علت اصلاح خرابي آن نخواهد شد

انزلي

خبر نکار مخصوص ما : — در ماه صفر چهل وچهار فروند واپور بادي و بخاري با مال التجاره ازطریق دریاي خزر باین بندر وارد شده واز اینجا بامال التجاره ایران مراجعت کرده است برنج خوراکي در صفحات ما زندران کمیاب شده است وزراعت انجا نیز بواسطه نیامدن باران تعریفي ندارد تجار انزلي چه در بادکو به وچه در انزلی چهار واپور برنج به بندر مشهد سر حمل کرده‌اند

عباس میرزا رئیس تلکرافخانهاي کیلان که براي ترتیب سیم تلکراف بآستارا رفته بود این ایام مراجعت برشت کرده است

(کنیاز) تلکرافچي روس که از سرحد آستارا از زیر سیم بشفار رود واز انجا برشت رفته بود این ایام بانزلي آمده است در افواه است که تنظیم سیم کیلانات تا قزوین بمشار الیه وا کذار شده است ومیکویند مرکز تلکرافخانه در انزلي خواهد بود و یکنفر تلکرافچي روسی دایم در انزلي اقامت خواهدداشت

طومانیاس ارمنی که از تجار معتبر ایران ودر تمام نقاط وشهرهاي معظم ایران وخارجه کانطور تجارتي دارد کمرکخانه کهنه انزلي را که مشرف بر ود خانه مرداب است از بیکلر بیکي خریده چند ماهي

است کنار رود خانه را سد محکمي بسته تا از طغیان وجوشش آب دریا مصون ماند واساس بناي کرکخانه را فروریخته عمارتي دو طبقه برطریق ابنیه فرنکستان بنا مینماید وتمام مصالح آن از بادکوبه آمده است پل کرکخانه غازیان محتاج تعمیر است بعضي را اعتقاد بر این است که اکر پل این روزها تعمیر نشود یکباره بامال التجاره بدریا فرو خواهد رفت

استراباد

در هفتم محرم در استراباد واقعه غریبي رخ نمود که تا بحال نظیر آن کمتر دیده شده است دو محله یکي موسوم بسرپیر ودیکری به (نعل بندان) باهم نزاع کرده اهل سرپیر چهار نفر را ازطرف مقابل باکلوله زدند که یکنفر سر تیر جان داد واین شخص باغبان قونسو لکری روس بود ویکنفر دیکر را کلوله شکم دریده شب هشتم فوت شد

در همان حین نزاع آقای سر دار حکمران استراباد حکم دادند که در سر هر معبر وکذریك جاتمه قراول ویکدسته سرباز مواظب باشد که فتنه بزرك نشود وقرار کذاشتند بعد از عاشورا قاتلین را کرفته قصاص نمایند

پس از عاشورا ریش سفیدان ونزاع کنند کان را بچنك آورده محبوس کردند وطایفه نعل بندان در مسجد جامع اجتماع کرده قرار کذاشتند که هرکس را منسوب بطایفه سرپیر یافتند بکشند حکومت از خیالات ایشان اطلاع یافته بزرکان طایفه مزبوره را طلب نموده از ایشان نوشته کرفتند که اکر کسی نکود کي زیادتي کند باید تنبیه کامل شود وصد نومان هم جریمه بدهد وبساط جامع وکنکاش ایشان بهم خورد ومیخواستند ضامن کرفته محبوسین را خلاص کنند بازطایفه نعل بندان در دیوانخانه اجتماع کرده کفتند تا قاتل را بما تسلیم نکنند باید حضرات محبوس باشند وفعلا در زنجیر هستند

اقتدار السلطان که هم پسروهم پیشکار آقاي سر دار است وجواني با حزم واحتیاط ودرکارهاي عموم بدقت رسیدکي میفرماید وعمده کارهای ایالتی نیز بکف اقتدار ایشان است مخصوصاً معزی الیه در این فقره نزاع حسن کیاست وریاست خویش را نمودار کرد واز زمانیکه آقای سر دار واین فرزند برومندش باستراباد آمده صحرای یموت وشهر در کمال نظم است وسابق ترکمانها خیلی دزدی وشرارت کرده آدم میکشتند ولی حالا بقدری راها امن شده که اسمی از ترکمان وشرارت وي نیست

قاهره مصر

هواي شهر قاهره اکرچه وسط روز قدري کرم میشود ولی صبح وشام هوا خوش است مخصوص چند ساعت که از شب رفت هوا طراوت روح پیدامینماید تا کنون کرمائي که از مصر مظنون بود وخیال میکردیم ندیده ایم واز قراریکه میکویند هواي مصر تابیست سی سال قبل خیلی فرق کرده وهیچ مناسبتی هواي امروز با آن هوای خشك کرم قدیم ندارد واین تغییر هوا بواسطه کثرت اشجار ووسعت خیابانها و پاشیدن آب ومراقبت مامورین بلدیه در تمیزی و پاکیزکی شهر است که روز بروز هوای قاهره بهتر میشود بلی اینها همه نتیجه علم است که مطموره ها در زمان اندکی معموره ها کردد وهاو یه

ها فردوس عالیه شود

نظر باخبار تلکرافی حضرت والا خدیو با حرم محترم در کشتی محروسه وارد جزیره رودس شده واز انجا باروپا خواهند رفت وتا هنکام توقف ایشان در اروپا حرم وکسانشان در رودس خواهند ماند

طاعون اسکندریه بقرار سابق است یکهفته بود که کسی بدین مرض کرفتار نشده وخیلی باعث امیدواری اهالی شده بود غفلتا بتازکی بازیکی دو نفر کرفتار شده معلوم شد هنوز قدوم نا مبارك از اسکندریه برنداشته نقدا این ناخوشی بستکی ندارد وموجب تشویش نیست ترس در اینجا است که اکر بکلی تا هوا کرم است رفع ان نشود فردا که هوا سرد شد شدت نماید وهمه واهمه خلق از ان است بهر جهت خداوند حفظ فرماید بالفعل حفظ الصحه که قصوری در مأموریت خویش ندارد وآنی از اجرای وظیفه خویش کوتاهی نمینماید

ترانسوال وانکلیس

رئیس جمهوری کروجر در مجلس (فولکسراد) خطبه سلمیه خوانده در خواست کرده است که بانکلیسان مقیم ترانسوال حقوق جنسیت اعطا نمایند لیکن مشروط بر اینکه مدت اقامت انها در ترانسوال کمتر از هفت سال نباشد مجلس مزبور نیز نظر بمراعات جانب صلح وسلم باغلبیت اراء در خواست رئیس مشار الیه را در پذیرفت پس نظر بدین خبر هر انکلیسی که مدت هفت سال درملك ترانسوال اقامت کند از حقوق وواجبات مانند ابنای مملکت خواهد بود

روزنامجات انکلیسی از این قرار تمجید وتحسین میکنند مکر بعضی که اصرار دارند که ازاین مدت کسر شود وپنجسال قرار کیرد

روزنامه مارنینك پست میکوید خوبست برای ارتباط عهد جدید انکلیس جدیدا پانزده هزار عسکر به ترانسوال کسیل دارد با اینهمه از آراء عموم خوف جنك وبیم حرب زایل کردیده است اکر دولت بریطانیه بیش ازاین در مطالب خویش الحاح وابرام نکند ودر مجالس ومحافل سیاسی چنین شهرت دارد که دولت روس وفرانسه والمان اتفاق دارند که هرکاه عمل بصلح وصلاح ختم نشود کفتکو بمجلس تحکیم اندازند (تلکراف در این هفته خبر داد که جمعی از طرف انجمن تحکیم خواستند بالورد سالیزبوری در خصوص ترانسوال ملاقات کنند مشار الیه ایشانرا نپذیرفت)

خدانکند دولت وحکومتی محتاج وبیچاره واقع شود که ازطرف دولت قوی همه نوع صدمه بروی وارد آید وباز اسمش بظلم واستبداد بلند شود واکر از روی انصاف وعدالت باشد انکلیس هیچ حق مداخله در امور ملکی ولشکری ترانسوال ندارد وکدام یك از دول اجنبی را درمجلس پارلمنت خویش راه میدهد که ترانسوال دوم باشد ولی چون پای زور درپیش آمد زنجیر عدل بکسلد

ایطالیا وروس در چین

بموجب خبر تلکرافی که از سنت پطرز بورغ بروزنامه تایمس رسیده دولت روس ازطلب خویش که در خصوص امتیاز راه آهن از پرت آرتور به پکن کرده بود منصرف شده است واز این کذشت

روس چنین برمي آید که دولت چین در اعطای امتیاز سخت کیری نموده شروط امتیاز را مشکل کرده است

وهمچنین در خصوص در خواست وطلب دولت ایطالیا وخواستن خلیج سانمون از دیوان خارجه چین بسفیر جدید ایطالیا در پکن تبلیغ شده که اکر دولت ایطالیا بخواهد برای استیلاء بر خلیج سانمون بیش از این ابرام وسخت روئی کند حکومت چین التفات بسخنان وی نکرده کفته های ویرا در زوایای نسیان متروك خواهد كذاشت اکرچه کار منجر باستعمال قوه جبریه شود

از این کونه ایستادکی های چین معلوم میشود که سر از خواب غفلت بر آورده ونتایج وخیم تساهل وتکاهل را دانسته که از برد باری با اجانب واعطای امتیاز بانها یکباره کشورش برباد رود وملکش ویران کردد وازاینرو برپاي خواسته علنا مطالبات روس وایطالیا را رد کرده خواستار اتحاد باژاپون شده است وما در بندر سیاسی در این هفته بدان اشارت کرده ایم

قوه بحریه المان

نظر برساله احصائیه که نظارت بحریه المان این ایام انتشار داده معلوم میشود که عدد عساکر بحری المان به بیست وشش هزار هفتصد وشصت وشش نفر رسیده وشماره صاحبمنصبین واطباء ومهندسین بحری به هزار وسیصد وشصت وپنج نفر

وهیئت کامله کشتی های جنکی دولت مربوره مرکب از نود وهفت فروند است که از این جمله هشت کشتی زره پوش است که خدمت سواحل نماید ودوازده کرا وزر معمول وده کرا وزر بزرك زره پوش ومابقی مرکب از توربید و (مخرب) وغیره از کشتی هائیکه هنکام جنك لازم آید

برنس لویس بوناپارت

در هفته کذشته تلکرافات روتر خبر داد که امپراطور روس نیکلای دوم تلکرافی در روز میلاد برنس لویس بناپارت بمشار الیه کرده وی را تهنیت کفته وباعاده امنیت در فرانسه امیدواری داده است یعني حکومت جمهوری حالیه بدل بسلطنت مستقله کردد روزنامجات فرانسه تمام این خبر را تکذیب کرده میکویند هرکاه این تلکراف مقارن صدق بود باید اول روزنامه رسمي روس وبعد تمام روزنامجات نقل نمایند از ان کذشته امروز علاقات ودادیه میانه حکومت جمهوری فرانسه ودولت امپراطوری روس باحسن وجه مربوط است وچیزی درمیان که علت کدورت شود ملحوظ نیست وامپراطور هرکز در این هنکام چنین تلکرافي نکند بعلاوه برنس (لویس بوناپارت) رئیس حزب هوا خواهان سلطنت نیست که امپراطور ویرا تهنیت فرستد ووارث کرسی سلطنت فرانسه بر حسب وراثت برنس ویکتور ناپلیون است واکر امپراطور را چنین عزمی بود باید ویرا تهنیت فرستدنه بر برادر کوچکتروی که روتر ازان خبر داده از طرفی دیکر میکویند برنس ویکتور از شاهزا کان با عقل وتدبیر است ومیداند تغییر نظام فرانسه در این ایام از امورات محال است ووطن خویش را دوست دارد وهرکز رضا نشود

که تعدی در باره وطن خویش نماید در صورتیکه ملاحظه میکند که از یك قضیه درایفوس چه قدرها بفرانسه خسارت وارد آمد

مجلس نزع سلاح واختتام ان

اگرچه از اغاز گفتگوی نزع سلاح صحبتی بیجا وذکری بیموقع وبیدا بودکه بی نتیجه خواهد ماند ولی چون ما از آغاز وی تا کنون متدرجا بیان کردیم انجام انرانیز نا گفته نگذاریم در این انجمن سه مسئله مهم مطرح مذاکره بوداول فقره تخفیض اسلحه بایمعنی که من بعد دول این همه مال صرف ازدیاد قوای بریه وبحریه ننمایندوبانچه اکنون دارند اکتفا کنند این مسئله که هنوز در موقع مذاکره نیامده مهمل ماند زیرا با خیال جهانگیری وزیاد کردن مستعمرات بعضی دول منافات داشت

مسئله دوم : — استعمال نکردن بعضی مواد ناریه از قبیل کلوله دمدم وترپیدو(مخرب)وامثال آنها از ابن مواد چیزیکه پر افتضاح داشت ودرجه وحشتش ظاهر میشود کلوله دمدم بود که مجلس باغلبیت آراء استعمال آنرا منع نمود وچنانکه نوشتیم وکیل وزارت حربیه انکلیس در مجلس نواب اظهار داشت که از این کلوله بدماغه امید فرستاده ایم ومحاسن آنرا نیز بیان کرد

مسئله سوم : — انعقاد مجلس تحکیم بود بایمعنی که مجلسی بین دول همواره تشکیل یابد واگر میانه دو دولتی مطلبی مشکل شد ونتوانستند خودشان بخیر وسلام بانجام رسانند رجوع باین مجلس نمایند واین مجلس پس از مشاوره وگفتگو قراری گذاشته طرفین را مجبور نماید که انقرار را در پذیرند واز صوابدید آن تخطی نکنند ازمیان دول کسیکه تصدیق کرد همانا امریکابود وما بقی برتاسیس چنین مجلسی صحه نگذاشتند ولورد سالیزبوری کسانیرا که میخواستند ازطرف مجلس تحکیم درمسئله ترانسوال دخالت نمایند از پیش براند وملاقات انهارا جایز نشمارد مجلس بانجاختم شدوملکه هولاند ازمهمانداری آسوده شد

مکتوب از طهران

۰۰۰ مدیر ۰۰ ثریا

(دشمن طاوس آمد پر او ، ای بساشه راکه کشته فراو) روزنامه ثریا باانتقالات مخصوصه که از عذوبت بیان ، مانند آب حیوان در مذاقها لذت حیات ابد بخشند ، عجب نباشد که روزي وبال خویش شود زیرا جمعی از منکرین که ذکر اسمشان در مجلس خرد مندان موافق ادب نباشد برپای خواسته هر دم بجادوئی ونیرنك بازی غباری برانگیزند تااین کوکب دری تاریك شود ودر محاق تعطیل افتد زینهار ازکید اینان بیندیش (یاعسل را سربه پوشان یامکس را پربه بند)

ثریا

واعتصموا بالله هو مولاکم فنعم المولی ونعم النصیر مارا معینی جز ذات پاك باري ونظر عنایت حضرت پرور دگاری نیست وا میدواریم در ظل عواطف اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنا فداه وتوجهات تامه حضرت صدارت عظمی مد ظله العالی این نامه ناچیز ملی همواره پایدار بماند باکی نیست اگر مغرضان از در حسد وعداوت صحبتی رانند ما از

شیوه خویش دست پنداریم وانچه در خیر دولت وملت بعقلمان بر سد در نکارش دریغ نکنیم وانچه پیش آید خیر دانیم (فضول نفس حکایت کند بسی ساقی ،توکار خود مده از دست ومی بساغر کن)

اتحاد اسلامیه المؤید والمقطم

پوشیده نیست که در شهر قاهره جراید یومیه واسبوعیه ومجلدات از عربي وفارسي وانکلیسي وفرانسوی ورومي بسیار باشد البته بمناسبت اینکه شهر قاهره وساکنین قطر مصري عربند لسان عربي مقبول آنهاست وروزنامجات سایر السنه را که تأسیس هریك مبنی بربولتیك است انقدرها قرب ومنزلت ومزیت انتشار نباشد وترقي وتدنی آن محدود است

در میان روزنامجات عربي شهر قاهره نیز دو روزنامه یومی معتبر هرروز طبع وانتشار یابد نخست (المؤید) که خدایش از کید اعدا محفوظ فرماید روزنامه ایست هو اخواه اتحاد شرق عموماً وطرفدار حقوق اسلام خصوصاً . همه از اتحاد ووفاق اسلام وشرقیین سخن راند واز جهل ونفاق آنها مذمت فرماید خویش را وقف امت مصریه وملل اسلامیه کرده عواقب جهل را دایم چون نقش برحجر بر مسلمین وشرقیین ظاهر نماید وانچه کوید از مداهنه وامراض شخصیه خالي است اکر مصریین حب وطن میداشتند باید این روزنامه را رب النوع خویش بدانند با وجود غفلت وکسالت ابناء مصر باز مشاهده میکنیم این روزنامه مقبول خاص وعام وهرروزدرترقی است چنانچه در این ایام روزی ده هزار نسخه طبع وانتشار میشود وهیچ نسخه از ان خالی از مقالات مهمه نیست

سپس روزنامه (المقطم) است این روزنامه مروج افکار انکلیسان است همواره انکلیسان را رب النوع خواند ووجود ایشانرا در عالم انسانیت ومدنیت مغتنم شمارد وهمه ازعدل وداد وکیاست وعلم وفراست ایشان بحث نماید واین دو روزنامه چندان در افکار مخالفند که هرچه این نکارد اکرچه همه حق باشد ان بطلان وی را در نسخه دیکر اعلان کند ودر مصر عداوت المؤید والمقطم ضرب المثل شده است ولی امروز في الواقع (المؤید) مؤید من عند الله است وخداوند انرا تایید مینماید واز جهت اشتهار خیلی از (المقطم) سبق برده است

باری این ایام روزنامه (المؤید) از اتحاد اسلامي مقالات مفیده نشر دهد وچون امروز مقاله نشر داد فردا (المقطم) ستونها برضد ان بنکارد

من جملة (المؤید) در یکی از مقالات خویش شرحي مفصل از اتحاد اسلامي بقلم یکی از فضلا نوشته ضمنا میکوید دول اسلامي خصوصاً ودولت عثماني عموماًباید عساکر خویش را منظم نکاهدارند وهمیشهخودرا مستعد از برای دفاع بدارند سپس خطاب بشخص اعلیحضرت سلطان میکوید (فالامة الاسلامیة في جمیع بقاع الارض تناجیك وانا انادیك یا خلیفة رسول الله بما کان یردده النبي علیه الصلاة والسلام في وقعة حنین) یعنی ای خلیفة رسول خدا کلیه مسلمین در تمام آفاق از تو طلب خلاصی میکنند ومن بانچه بیغمبر علیه الصلاة والسلام در واقعه حنین دو دل بود ترا میخوانم)

المقطم در جواب این مقاله شرحی نوشته من جمله میکوید جمعی از روی جهالت برپای خواسته میخواهند معایب ونواقصی را که در سالهای دراز وروزکار های دیر باز اصلاح نشده در مدت زمانی اندك اصلاح نمایند واز تاریخ پدران خویش که بشجاعت ودلیری ومردی وکشورستانی معروف بوده یاد کنند وآب رفته بجوی باز آرند ورشته کسیخته پیوند نمایند وزمام امور مشرقیین را در کف کفایت خویش کیرند واین کروه دولت عثمانی را ترغیب میکنند که با دول اسلامیه اتحاد نماید وقشون خویش بیاراید وار دوها از ابطال ترك وعرب وکرد وارناود در تحت سلاح آرد وبعضد سایر دول اسلامی با دول مجاوره بجنکد و .... تا انیکه میکوید این کروه امورات بدین دشواری را خوار کرفتند وبخیال از محال استخراج ممکن کردند در صورتیکه اکر دولت علیه عثمانی بخواهد یکی از جمله ظنون ایشان را اجری دارد دول اجتماع کرده در ظرف یکهفته هیئت سلطنت آنرابرهم زنند واملاك دولت مزبوره را در میان خویش قسمت نمایند وکجا دول اروپ دولت عثمانی را مهلت میدهند که در اجرای این کونه خیالات اقند .....)

اکرچه ما در امورات سیاسی (پارتی) هستیم وسخنانمان مانند (بعض جراید) بغرض ومرض آلوده نیست وغیر از حق کوئی در راهی دیکر قدم نزنیم ومداخله در این کونه امور را هم خوش نداریم ولی لازم است انچه میدانیم در خصوص اتحاد اسلام بنکاریم ما شرقیین عموماً واسلام خصوصاً امروز محتاج باتفاق تامه هستیم تابتوانیم در مقابل دول اروپ در مقام دفاع برائیم ومقصود ما از اتفاق دفاع است نه هجوم چه امروز ما را انقدر ومکانت نیست که مانند دول اوروپا هرروز هجوم آورده ملکی از املاك بیچارکان را ضبط کرده در حیطه تصرف آریم

اما درخصوص اتحاد شرقیین چون اهل شرق غالب مسلمانند یعنی کسانیکه دارای تمدن هستند اکر اتحاد اسلامی محکم شود میتوان آنرا اتحاد شرقی نیز نام کذاشت چه شرق امروز بوجود اسلام قایم است واین اتحاد ممکن نکردد مکر از طرف دول اسلامی وهمت سلاطین وامراء آن وامروز دولتین علیتین ایران وعثمانی چشم وچراغ دول اسلامی در شرق اند والحمد لله امروز روابط دولتین علیتین درکمال استحکام است وهمچنین این دو دولت نیز با سایر دول وحکومات اسلامی این ایام هرکونه روابط حسنه دارند وهرچه مقالات در اتحاد اسلام نکاشته آید تاثیرش هرروز در تزاید است واتحاد اسلامیان بیش کردد چنانکه از قرار نکارش خبر نکار ان ما از نقاط مختلفه هندوستان کلیه مسلمانان از هر فرق وهر طایفه توجه بعالم اتحاد کرده هیچ صحبتی در میانه از نفاق نیست ومهر اعلیحضرت سلطان دردلهای ایشان چندان جای کرفته که بهیچ کونه حیل بیرون نرود

امروز نه تنها جریده (المقطم) از اتحاد اسلامی مذمت میکند بلکه جراید معتبر اروپا نیز از اینکونه اتحاد خایف وهمواره در صدد تفرقه آن هستند ولی امید واریم کاری از پیش نبرند وبر آرزوی فاسد خویش نایل نکردند

اما در خصوص شخص اعلیحضرت سلطان

وآراء سخیفه بعض جراید خود خیال مصري ما را چه حاجت که در این باب سخنی را نیم کتابها از محاسن سیاست وکیاست ووفور عدل وداد اعلیحضرت ایشان بقلم فضلای اروپا مدون است وبتمام السنه طبع ومنتشر شده وچه نیکو کفته اند (معشوق خوب روی چه محتاج زیور است) قطع نظر از همه اینها کرده از ان زمان که اعلیحضرت (سلطان عبد الحمید خان ثانی) بر تخت سلطنت آل عثمان جلوس فرموده تاکنون آبادی وتمدن ممالك عثمانی یك بر صد وصد بر هزار شده چرا باید انسان پای از دایره انصاف بیرون کذارد کجا در جنك روس قشون عثمانی بدین نظم ونسق بوده کجا میتوانست دولت مزبوره در ظرف پانزده روز دویست وپنجاه هزار عسکر بقطعه تسالیا آماده نماید ومواقع جنکی را که مهندسین اروپا کفته بودند اکر هریك از دول اروپ بایك مایون عسکر وتوپ وتوپخانه کروپ باشند نتوانند زیاده ازسه ماه کرفت در ظرف پانزده روز بکیرد که اکر دول اروپ مانع نشده بودند از یونان اسمی در صفحه اروپ باقی نمیماند

آنان که دار السعاده اسلامبول را دیده واطراف واکناف انرا سیاحت نموده میدانند که در هرجا بناي عالی از مکتب ومدرسه ومریضخانه ویتیمخانه وقشله عسکر وغیره از ابنیه بنظر آید ودر جلو انظار جلوه کند تمام از تاسیسات سلطان (عبد الحمید خان ثانی) است که در بیست سال قبل از این ابنیه اثری در اسلامبول نبوده ومردم امروز در صد هفتاد نفر در مدرسه تربیت شده واز علوم وفنون عصر حاضر مطلع اند در بیست سال قبل یك روزنامه یومیه یعنی (ترجمان حقیقت) در اسلامبول طبع ونشر میشد وامروز اسلامبول زیاده از پنجاه روزنامه یومیه دارد که کمتامترین آنها از شش هفتهزار نسخه در روز کمتر قسمت نمیکنند واکنون فقط از مدرسه حربیه واقعه در شیشلی سالی هشتصد نفر شاکرد ممتحن بیرون می آید ودر بیست واند سال قبل یعنی پیش از جلوس اعلیحضرت (سلطان عبد الحمید خان ثانی) کجا این اوضاع در اسلامبول بود بهمچنین سایر ممالك دولت امروز غالب شهر های ممالك عثمانی از قبیل بیروت وازمیر وتسالیا ویانیه وغیره مرکز تربیت وتحصیل شده که مردم از راه های دور باینجاها برای تحصیل می آیند وبدین واسطه روزنامجات اروپ وبعضي روزنامجات مغرض مصری حق دارند که بایما وکنایه یابالصراحه از اعلیحضرت سلطان شکایت نمایند زیرا بر ایشان چون آفتاب روشن است که هرچه ترقی در این ایام اخیر برای عثمانیان رخ نموده از برکت سیاست وکیاست وعاقبت اندیشی این شهر یار کامکار است ومیخواهند بدین کونه خرافات اسبابی فراهم آرند که قلوب رعایا وخیر خواهان وعموم مسلمین هندوستان وغیره از اعلیحضرت سلطان منضجر شده واین اتحاد صورت نبندد

مخفی نماناد که بعضی از مشترکین محترم ما از هندوستان در خصوص اقوال وخرافات این جراید از ما سؤال کرده ضمنا خواهش کرده اند که چون مدیر ثریا مدتی در اسلامبول اقامت داشته واز کلیه امورات ملّی وسیاسی آن مطلع است شرحی برای اطلاع برادران هندی خویش از اساس عدل وداد اعلیحضرت سلطان ووضع نظام اسلامبول در جریده ثریا بنکارد ما انشاالله در نمر های آتیه ثریا بدون زیاده چیزی از اوضاع اسلامبول انچه بتحقیق میدانیم خواهیم نکاشت وامید وارىم انچه نکاشته آید مقارن صحت خواهد بود

بقیه مقاله وذکر

﴿ فان الذکر تنفع المؤمنین ﴾

هر جسمی از اجسام ، یاشیئی از اشیاء راسه حالت مقرر است که باصطلاح منطق ماهیت ، وکمیت ، وکیفیت ، نامند البته این سه حالت در انسان هم که از اجسام ذی روح شمرده شود موجود باشد پس برماست نخست ماهیت یعنی سرشت خویش را بدانیم سپس کمیت یعنی قدر واندازه خویش بشناسیم چون این دو معلوم شد کیفیت یعني ثمره وجود خودرا بدانیم که مارا براي چه آفریننده مهربان خلقت فرمود وفایده این خلقت چه بود

اولا ماهیت مارا ایزد بداد ومهر وعقل وفرد ودانش آفرید ، که ما اکر بر خلاف آن رفتار نمائیم قلب ما هیتمان شده خواهد بود وکمیت مارا بخود شناسی وبینائی مرتب فرمود واز کیفیت ما انسانیت وآدمی خو است زینهار انسان اکر قدر خود نداند ومقام خویش نشناسد البته در دنیا وآخرت از لذات حیات محروم ماند زیرا انسان موافق انچه کتاب خدا فرماید در انچه زحمت کشد ثمر برد ونا برده رنج کسی را کنجی ندهند واکر ما نیکي کنیم ده چندان باری تعالی عنایت فرماید ولی نیکی نکرده وزحمتی نبرده هیچ ندهند وانچه انسان را در دارین علت نیکبختی وسعادت ومایه اقبال وابهت کردد بلا شبه علم است وعلم حاصل نشود جز بکوشش وزحمت وچون در سرشت انسانی استعداد وقابلیت وحصافت وحذاقت ودیعت نهاده اند کوشش وی درراه علم بی ثمر نماند از انرو که در کشف دارائی خویش کوشیده ومزیت انسان بر حیوان وبهایم از انست که وجودش بزیور خرد آراسته فرض کنیم یکي از بهایم اکر بخیال افتد تا علم اموزد وهنراندوزد چون جوهر خرد دروی نیست بخیالات خویش موفق نشود

انسان في المثل کان الماس است که بظاهر صخره صما نماید ولی در دل جواهر قیمتی مکنون ومستور دارد واین کوهر تا بناك در انظار جلوه نماید مکر بتعب ورنج وهرکس باین هیکل مجسم باشد ناچار داراي این جوهر خواهد بود اما چون قدرخویش نشناسد ودر غفلت وجهالت افتد چشمه استعداد خشك شود ونخل حیات پژمرده کردد این است که امروز دول حیه یعني اروپا ویان ما مسلمین را ملت موتی خوانند وان موافق کلام معجز ختام مولاي متقیان امیر مؤمنان علی کرم الله وجهه است که فرمود (الناس موتی واهل العلم احیاء) ارباب علوم را اهل حیات خواند واصحاب جهل وبیعلمان را در زمره اموات شمارد ، پس حق دارند اکر اروپاویین شرقین را عموما واسلام را خصوصاً ملل موتی کویند زیرا از فرط جهالت چشمه استعداد وقابلیت در ما خشك شد وشاخ دانش وجود بواسطه غفلت وکهولت ثمر نیاورد دنیای مارا خراب وعقبای مارا تباه کرد دارائی ظاهر وباطن ازما برفت ودرما جز تیرکی وخیرکی وعرض حالتی نماند بر بعضی هنوز امر مشتبه است که پریشانی ظاهر بر تفرقه باطن دلیل نباشدوبسا مواد که بظاهر آراسته وبباطن کاسته باشد مانند آب تلخ زلال ، ومار خوش خط وخال که اکر بظاهر آنها فریفته شویم واز باطنشان غافل نشینیم بسا خرابیها بار آردوعلت خسارتها شود پس ظاهر عنوان باطن نشود وآراستکی این دلیل برشایستکی آن نکند پس نتوان کفت جهالت عارضي دوروزي باعث خسارت ابدی کردد این عقیدت بحکم طبیعت وداوری عقل منیف ورهبری شرع شریف باطل است وداعیان آن ازحلیه خرد عاری اند زیرا در هر قانون حکم باغلبیت کنند ونوادر مورد اعتنا نباشد وبدان اعتماد نشاید ظاهر هاي آراسته وباطنهاي کاسته اکرچه معدوم صرف نیست ولی از

جمله نوادر است وغالب مواد واشیاء واجسام که ظاهري پاکیزه دارند باطنشان نیز چون ظاهر باشد پس قطع نظر از اینکه کلام (الظاهر عنوان الباطن) منصوب بمحلی منیع ومنزلی رفیع است بدین لحاظ در حقیقت آن جای شك وظن نباشد در این صورت جاهل نادان از نعمت دنیا وراحت عقبا محروم است

اي ابناي عزیز وطن : — لختی بهوش آئید ، واز خواب غفلت سر بر دارید ، اوضاع کیتی را مشاهده کنید ، وتقلبات روزکار را بنکرید ۰ یکقوم را علم ودانش سروری داد وبمجد وشرف رهبری فرمود وپایه اورنك جلاشان برفرق فرقدان نهاد ، ودر نیکبختی ها از هرسو بر ایشان کشاد ، مالك رقاب امم ودایر مدار عالم کشتند افعال قبیحه شان در انظار نیکو نمود ۰ واعمال سیه شان مستحسن آمد چندانکه آفتاب طلوع نکند جز براي پرورش ونمو اشجار حیات ایشان ، وبدر منیر چهر دلپذیر نماید جز براي تفریح دماغ وانشراح قلب ایشان ، واحسرتا !.. علم چندان فضاي جهان را بر ایشان وسعت دادکه در هر کوشه قصرهاي خورنق ساختند وتختهاي طاقدیس برپاي داشتند وطاقهای کسري برافراشتند ، خارستانها کلستانها کردند ودر بیابانها ایوانها برداختند

قومی دیکررا جهل وغفلت از سر تاج شهامت بر کرفت وبسوی نکبت وادبار همی دامان کشید . تاج وتخت سروریشان برباد داد وسیه روی برخاك تیره شان نشاند مالك عالم بودند ۰ مملوك امم شدند ۰ در کلستان عظمت وجلاشان خار وخس رویانید ، وقصور عالیه شان سقوف خالیه کرد ۰ چندانکه از فیض نیر اعظم جز سوختن وبریان شدن فایده نه بینند ومانند تارکنان از نور ماه جز خسارت ثمری نبرند ۰ وامصیبتاه ! ۰۰ جهل چندان عرصه وسیع عالم را بر ایشان تنك کرده که در بیغولها سکنا کرفتند وراضی بمخانها ولانهای تنك تاریك شدند ۰ جهانکیری وکشورستانی پدر انشان ازیاد برفت ونعمت کلستانهما وراحت بوستانها فراموششان شد ۰ واز درجه انسانیت ومراتب ومزیت ان محروم ماندند ودر فراق نیکبختیها که بدر انشان داشتند هریك بزبان حال همي کفتند (من شبره وار کورو نومید ۰ تو روی بدیکری چه خورشید) درمیانه عوام مثلی مشهور است که ازروی استغاثه کویند (خداوند هیچ دارنده ای را نادار نکند وبدرد فقر وپریشانی کرفتار نماید) که ظلم است برای لقمه نانی کریم دست پیش لئیم در از نماید وما وقتی کریم بودیم ودارائی داشتیم وبر عالم سروری میکردیم وبر امم مهتری میفرمودیم واقوام سایره برعیتی وبندکی ما فخر میکردند وبه بستکی وطفیل ما تاج شرف برسرمی نهادند وامروز کار ما از غفلت وجهالت بجائی رسیده وافتضاح ورسوائی بمقامی کشیده که خویش را بهزار تملق وچاپلوسي باجانب به بندیم وبندکی کنیم وبدان مباهات نمائیم کاش زمانیکه خورشید ایران در کسوف افتاد یعنی علم از میانشان مفقود شد وجهل چهر منحوس نمود ایران نیز چون کنج قارون برزمین فرورفتی وازخویش اثر نکذاشتی کهامروز باید ابنای آن از ثمره جهالت باین درجه در هلاکت افتند وبرهرکوی روی کنند باروی خراشیده وموی پریشیده نومید ومحروم بر کردند (این هفته در ضمن مراسلات ایران مکتوبی از کاشان یکی از دوستان که سخن نکوید جز بصدق وقدم بر ندارد جز براستی باداره فرستاده کتابی از ظلم وبیداد حاکم جدید ومباشرین وکار کذاران حکومت نکارد ضمنا میکوید خانه فقراء خراب شد وکلبه رعایا برباد رفت مباشرین حکومت یك برده مالیات کیرند وحق خویش ده برضد خواهند و ۰۰۰۰۰) هم از ما تمنا کرده که مکتوب اورا سر تاپا بنکاریم واز این ظلم بیشکاه اقدس همایونی

وحضور صدارت عظمی بنالیم شاید فرجی در نوائب وتعدیلی در مصائب مشتی رعایای فلکزده حاصل شود) لیکن انسان چنین مکتوب را چطور در روزنامهٔ که قسم اعظمش در بلاد اجنبیه وامم مختلفه توزیع شود مندرج نماید وآبروی خویش ببرد واجنبی را از مطالعه این کونه فظایع مسرور وخرم دارد بهتر این است که ناکفته کذاریم وباشارتی ازوی کفایت کنیم

ای ابنای عزیز وطن : — زیور انسان علم ودانش است وما امروز از این زیور محرومیم لکن بجد وجهد تحصیل آن ممکن باشد اکر اندکی همت کنیم وروزی چند رنج بریم زحمتمان بیثمر نماند چنانکه دیدیم ملل سایره رنج بردند وکنج یافتند

امروز ما ملت ایران محتاج اتفاق ایم بایمعنی که در هر شهر وبلدی کرد هم کرد ایم واز نواقص واحتیاجات خویش صحبت رانیم وشرکت های بزرك ملی تشکیل کنیم واول احتیاج ما براه آهن است تا سهوات در حمل ونقل مال التجاره حاصل شود وبلاد بیدیکر مربوط کردد واز نعمتهای طبیعی هر بلد ومملکت ایران شهر وکشوری دیکر محروم نماند یعنی مرکبات فارس وکرمان در محل نپوسد واهل عراق وآذربایجان آرزوی ان در دل نه پچند خدایرا شکر دولت ما امروز برعایاي خویش همه نوع مساعده میدهد واز دل وجان خواهان است که این کونه امتیاز بزرك را برعایای خویش بدهد (سبحان الله در این وقت که مقاله باینجا کشید مکاتیب اسلامبول باداره رسید وما را بمطالعه خویش مشغول داشت واقوال خبر نکار ما مغایر است با انچه ما مینکاریم ودر آینده امید واریم — خبر نکار میکوید آقای حاجی میرزا شفیع امین التجار تاجر اصفهاني که از تجار محترم ومعتبر ایران وسالهاست در اسلامبول مشغول تجارت است چند وقت قبل بتوسط یکی از رجال استدعای امتیاز راه آهنی از تبریز بطهران وخراسان کرد وپس از مدتی جواب یاس شنید لکن اکر اجانب بخواهند دولت فورا در اعطای آن حاضر است) واین فقره حقیقتا موجب حیرت ما کشت زیرا حاجی امین التجار از اشخاص متمول درست غیر تمند وطن است ودر میانه تجار فرنك اعتباری تام دارد البته اکر چنین تشبثی کرده باشد از روی بصیرت وخبرت است وجهت ندارد که دولت مسئول ویرا باجابت مقرون ندارد بعقیده ما واسطه این کار چنانکه باید عرایض را بآستان همایون وحضور صدارت عظمی معروض نداشته است زیرا با وجود میل مفرط بندکان همایون باسایش رعایا ورفاه حال اهالی وترقی ابنای مملکت ایران از محالات است که غیرتمندان وطن باین خیالات بلند که ترقی وپیشرفت کشوری ولشکری در تحت ان ملحوظ است بیفتند وبندکان همایون در اجرای مقاصد ایشان چیزی از پدری وبزرکواری مهمل کذارند امید واریم حاجي امین التجار از این نیت وخیال بزرك منصرف نشود ودر صورتیکه چنین کاری درمد نظر است مستقیما عرایض خویش را بحضور صدارت عظمی تقدیم دارد یا خود برای اتمام وانجام ان سفری بطهران برود وتا مبنائی که در این امتیاز مهم لازم است بدولت بدهد دولت بلا شك از اعطای این امتیاز مذایقت نخواهد کرد بلکه همواره بعواطف وتشویقات خویش ایشانرا امید وار ودلکرم خواهد داشت وماانشا الله هفته آینده در خصوص محاسن امتیاز بداخله دادن مخصوصا راه آهن مقاله خواهیم نکاشت)

باری جمله معترضه بکذاریم واز مبحث خویش دور نیفتیم ابنای وطن باید در چنین عهدی که هر کونه اسباب نیکبختی بر ایشان فراهم است تنبلی وکاهلی بیکسو نهند (بقیه دارد)

علیمحمد